

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

آبان ماه ۱۳۸۷ نوامبر ۲۰۰۸

شماره ۲۷

toufan@toufan.org

toufan@toufan.org

بحران ، همزاد سرمایه داری

(۵ تریلیون دلار توسط مالیات دهندگان جهان به بانکها تزریق شده است) درص ۲

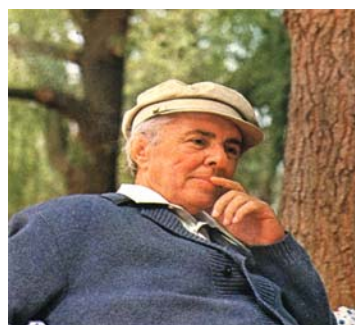
تجمع شکوهمند دانشجویان در دانشگاه شیراز



گزارش رسیده از ایران درص ۳

رویای " لغو کارمزدی و حکومت شورایی " در لاستیک سازی البرز درص ۶

پیام حزب بمناسبت برگزاری مراسم صدمین سالگرد تولد رفیق انورخوجه در دانمارک درص ۷



چکیده ای از سخنان رفقا در جلسه استکھلم بمناسبت نود و یکمین سالگرد انقلاب کبیراکتبر
و بحران مالی سرمایه داری درص ۹

دواطلاعیه کوتاه درمورد کارگران هفت تپه و شرکت واحد درص ۸

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

بحران ، همزاد سرمایه داری

(۵ تریلیون دلار توسط مالیات دهندگان جهان به بانکها تزریق شده است)

بحران مالی عظیمی که در آمریکا بروز کرده است تمامی کشورهای سرمایه داری جهان را در خود فروبرده و بدینسان جامعه به اصطلاح " مصرفی " که بورژوازی اینچنین بلند و غرا بعنوان " جامعه آینده " به ستایش و تبلیغ آن نشسته چیزی جز یک جامعه پوسیده و روبه فساد وزوال نیست که هر چه بیشتر زخمهای کهنه ودائمی سرمایه داری را که سعی در پنهان کردنشان میشد آشکار میکند. دنیای سرمایه داری و امپریالیستی بطور مداوم در چنگال بحران عمیق ووخیم مالی و اقتصادی که در چهار چوب بحران عمومی و ادواری سرمایه داری قابل توضیح است گرفتار بوده هیچگاه از آن رهایی نخواهد یافت. این بحران های ادواری نه جدید، نه تصادفی، نه قسمی و نه موقتی است. این بحران مربوط به اشتباه این دولت و یا آن دولت و یا افراد فاقد صلاحیت و یا سیاست غیر کارشناسانه نیست. این طبیعت نظام سرمایه داریست که هرازگاهی با این بحرانها مواجه میگردد. تضادهای عمیق بین مناسبات تولیدی و نیروهای مولده بطور متمرکز در رشد تضادهای طبقاتی آشکار شده ووقتی به نقطه اشباع میرسند به ایجاد بحران منجر میشود.

اساس بحران مالی و سقوط سهام در بازار بورس در والسترینت در نیویورک وورشکستگی چند بانک معظم که شباهت زیادی به بحران ۱۹۲۹-۳۹ دارد را باید در چارچوب بحران اضافه تولید سرمایه داری مورد بررسی قرار داد که در تکامل خود به بحران مالی ورکود اقتصادی منجر میگردد. سرمایه داری همواره تا سرحد امکان تلاش میکند تا حقوق کارگران و زحمتکشان راکاهش دهد. هر اندازه حقوق نازلتری به کارگران و مزدبگیران جامعه بدهد، سود بیشتری نصیبش خواهد گردید. اما جهت تحقق و حصول این سود که از طریق تشدید استثمار کارگران ممکن می باشد، بایستی کالاهای تولید شده خود را در بازار به فروش برساند و در اینجا مصرف کننده اصلی جامعه طبقه کارگر است و هر قدر کارگران دستمزد کمتری برای نیروی کارشان دریافت کنند سرمایه داران کالاهای کمتری بفروش می رسانند و در نتیجه سود کمتری حاصل می آید. و باز طبیعی است هر اندازه کارخانه های بیشتری به تعطیلی کشانده شوند، بیکاری نیز به همان اندازه گسترش پیدا خواهد کرد و..... در اینجا سرمایه داری با یک بحران اضافه تولید مواجه میگردد و کارگران علیرغم تولید اضافی، اما قدرت خرید خود را از دست می دهند و کالاهای تولید شده در انبارهای سرمایه داران باد میکنند. افزایش تولید در اثر پیشرفت تکنولوژی و عدم فروش کالاهای تولید شده بواسطه رقابت انحصارات و عرضه بیش از حد تولید و تولید اضافی بصورت رکود صنعتی نمایان میگردد. هم اکنون ما شاهد این بحران در صنایع خودروسازی اروپا هستیم. از کارخانه اوپل گرفته تا ولو، رنو، پژو و..... همه در مسیر اخراج کردن وحشیانه کارگران و صرفه جوئی هزینه ها گام برمیدارند.

بحران وخیم مالی و اقتصادی کنونی نتیجه طبیعی عمکرد سرمایه داریست که در دودهده اخیر در قالب سیاستهای نئولیبرالی و خصوصی سازی افسارگیخته خود رانشان داده و وعده بهشت برین را به مردم داده است. وقتی همه چیز به کسب حداکثر سود خلاصه گردد دیگر چه نیازی به تولید است. سرمایه داری با کاهش سرمایه در تولید و انتقال آن به بازار بورس و سهام، جامعه را بسوی یک نظام تماما انگلی و قمارخانه ای سوق میدهد. این سیستم انگلی تمام تاروپود جامعه را گرفتار بورس بازی و دلالی و قمار میکند. بحران در این سیستم انگلی و سقوط سهام در بورس های انحصاری نظیر نیویورک موجب رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و بحران در سراسر جوامع سرمایه داری میگردد که اگر این بحران توسط انقلاب حل نگردد، سرمایه داری با آفریدن جنگ های محلی برای صدور این بحران و یا تشدید تضادهای امپریالیستی و جنگ برای حل این بحران اجتناب ناپذیر میگردد. بحران ۲۹-۳۰ و جنگ جهانی دوم نمونه ای از این دست است. بحران سرمایه داری درمان ناپذیر است. بار اصلی این بحران بدوش کارگران و زحمتکشان منتقل میشود. طبق گزارش بانک مرکزی بریتانیا دو تریلیون و ۸۰۰ میلیارد دلار ضررهای بحران مالی بر آورد شده است. رابرت پستون، تحلیلگر بی بی سی در امور بازرگانی سه شنبه ۲۸ اکتبر اظهار داشته که تا کنون ۵ تریلیون دلار توسط مالیات دهندگان در سراسر جهان به بانکها تزریق شده است. لیکن این گونه کمکهای مالی به سرمایه داری امپریالیستی موجب حل بحران نخواهد شد.

بحران اقتصادی، مالی، سیاسی و ایدئولوژیک در دنیای کهنه و پوسیده سرمایه داری درمان ناپذیر است و این از ماهیت استثمار و انگلی آن ناشی میشود. معنی این وضعیت چنین است که مارکسیست لنینیستها باید از روحیه تعرضی سرشار بوده و تمامی مساعی خود را در راه تدارک مبارزه انقلابی بی امان در راه تقویت پایه ای خود در میان توده ها متمرکز نمایند. از این رو امروزه این پرولتاریا و خلقهای زحمتکش جهان هستند که سمت تکامل اجتماعی رانمایدگی میکنند و در باره جریان تاریخ جهان تصمیم میگیرند و نه امپریالیسم آمریکا و یا دیگر سرمایه های بین المللی. آنان که امروزه مدعی اند اوضاع جهان توسط امپریالیستها تعیین میشود و کوششهای پرولتاریا و خلقهای جهان برای آزادی و استقلال به بن بست خواهد رسید و به نفی پیکار تشکیلاتی و نفی حزبیت می پردازند یاوه گویان ابلهی بیش نیستند که جز خدمت به بورژوازی هدف دیگری ندارند. ادامه در صفحه ۳...

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهایی بشریت! نابود باد سرمایه داری و امپریالیسم!

بحران مالی کنونی، برعکس اظهارات ابلهانه سران رژیم اسلامی بر اقتصاد ایران نیز تاثیر میگذارد. در شرایطی که نفت از بشکه ای ۱۴۳ دلار به بشکه ای ۶۰ دلار سقوط کرده است، سرنوشت بودجه سال ۱۳۸۸ چه خواهد شد؟ علاوه بر سقوط بهای نفت، نوسان های شدید در نرخ ارز و نیز گسترش بحران مالی به منطقه خلیج فارس که با اقتصاد ایران روابط تنگاتنگ و عمیقی دارد، بر اقتصاد ایران نیز شدت تاثیر میگذارد. محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی برخلاف نظر احمدی نژاد و رهبر جمهوری اسلامی گفت "بحران اخیر در بازارهای جهانی باعث شده طی سه ماهه اخیر قیمت نفت نصف شود، بنابراین بودجه کشورهایی که به نفت وابسته است به شدت تاثیر میگیرد".....

دنیای سرمایه داری و امپریالیستی در مرحله ضعف و گندیدگی قرار دارد و جامعه کهن با انقلاب منهدم شده و جامعه نوین سوسیالیستی جایگزین آن خواهد شد. این پیروزی از طریق وفاداری به تئوری لنینی امپریالیسم و انقلاب پرولتاریائی بدست خواهد آمد. این دیالکتیک تاریخ است: سرمایه داری محکوم به زوال است، اما پیروزی بر آن و وصول به آزادی تنها از طریق مبارزه شدید و طولانی و تحت رهبری خردمندان و ورزمنده بدست خواهد آمد. این رهبری در دنیای کنونی تنها بعهد پرولتاریاست و جز این نیز نمی باشد.

* * * *

گزارشی از تجمع با شکوه دانشجویان در شیراز علیه لاریجانی



ننگ بر این دولت مردم فریب!

این گزارش از ایران به دفتر خارجی حزب رسیده و ما عین گزارش را انتشار میدهیم.

امروز پنجشنبه ۱۸ مهرماه علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی، به دعوت تشکل اصولگرا و حکومتی جامعه اسلامی این دانشگاه برای سخنرانی به تالار فجر این دانشگاه آمده بود که این جلسه به تشنج کشیده شد. از ساعتی پیش از شروع این جلسه مامورین حراست دانشگاه و همچنین نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به وفور در سطح دانشگاه و در جلوی تالار فجر دیده می شدند. بنا به اعلام حراست، دانشجویان حق نداشتند کیف ها و موبایل های خود را به محل برگزاری جلسه وارد کنند و همه دانشجویان قبل از ورود به تالار بازبینی بدنی شدند. همچنین دانشجویان پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که اجازه ورود به این پلاکاردها نیز داده نشد.

با باز شدن درب تالار فجر و ورود دانشجویان مشاهده شد که قسمت اعظم تالار، با نیروهای بسیجی که از بیرون دانشگاه آورده شده بودند، پر شده است با این وجود تعداد زیادی از دانشجویان منتقد توانستند به درون تالار فجر راه یابند. قبل از ورود لاریجانی و پیش از آغاز جلسه، دانشجویان یکصدا سرود «یار دبستانی من» را خواندند و شعار می دادند: «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «نصر من الله و فتح قریب، ننگ بر این دولت مردم فریب»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و... با ورود علی لاریجانی به تالار فجر عده ای از دانشجویان وی را هتک کردند و شعار می دادند: «خاتمی پاینده؛ رییس جمهور آینده».

در ادامه جلسه لاریجانی در پشت تریبون قرار گرفت و دانشجویان در همین حین شعار می دادند: «مجلس فرمایشی نمی خواهیم، نمی خواهیم». لاریجانی سخنانش را چنین شروع کرد که «تعدادی از دانشجویان در همین ابتدای کار با شعارهای خود تکلیف انتخابات ریاست جمهوری را مشخص کردند» که دانشجویان دوباره شعار دادند: «خاتمی پاینده؛ رییس

جمهور آینده». در ادامه وی برای دقایقی از افتخارات جمهوری اسلامی و این که جمهوری اسلامی تنها کشوری است که از حدود ۳۰ سال پیش توانسته است خود را بلوک شرق و غرب جدا کند، سخن گفت. وی از پیشرفت علمی و هسته‌ای جمهوری اسلامی سخن گفت و اضافه کرد: «ایران تنها کشور مردمی در منطقه است که توانسته است جلوی زورگویی‌های آمریکا بایستد و مسیر پیشرفت را با افتخار طی کند» در همین حال یکی از دانشجویان از جای خود بلند شد و گفت: «ما این تاریخ سازی‌ها را زیاد شنیده‌ایم، اگر راست می‌گویید در مورد وضعیت فعلی صحبت کنید، در مورد تورم ۲۸ درصدی، لایحه حمایت از خانواده، مدرک کردن، تعلیق و اخراج و زندانی کردن دانشجویان و مخالفان.» اما لاریجانی پاسخ دقیقی به این سوال مطرح شده نداد.

پس از اتمام سخنان لاریجانی از سوی جامعه اسلامی عنوان شد که اجازه طرح سوالات شفاهی را نخواهند داد و تنها سوالات کتبی مطرح خواهد شد. دانشجویان که به شدت به این امر معترض بودند، اعتراض خود را با هو کردن به این مطلب نشان دادند.

در جلسه پرسش و پاسخ یکی از سوالات در مورد مدرک کردن بود و دانشجویان خواستار استیضاح و برکناری علی کردان شده بودند. تعدادی از دانشجویان در این هنگام یکصدا شعار می‌دادند: «کردان مدارکت کو؟؛ مجلس نظارتت کو؟» لاریجانی اعلام کرد که «مجلس در هنگام دادن رای اعتماد به کردان از جعلی بودن مدرک وی خبر نداشته است و اصولاً در چنین سطحی نباید چنین اشتباهی رخ داده باشد و مجلس کلاً پایگاهی برای رسیدگی به مدارک افراد نیست، ولی اکنون جعلی شدن مدرک کردن محرز شده است، مجلس اقدامات لازم را برای برکناری وی انجام خواهد داد.» در این هنگام یکی از دانشجویان فریاد زد که «در صدا و سیما، کردان معاون خود شما بوده است. او با مدرک جعلی در دانشگاه تدریس کرده و حقوق گرفته است، چگونه شما می‌توانید همه‌ی این مسائل را انکار کنید؟» لاریجانی در پاسخ گفت: «در زمانی که کردان معاون من بوده است هم بنده از جعلی بودن مدرک وی اطلاع نداشته‌ام.» در این هنگام دانشجویان لاریجانی را به شدت هو کردند. سوال دیگر که مطرح شد در مورد تجمعات یازده روزه در اسفندماه سوال گذشته در دانشگاه شیراز بود و این که پس از این تحصن دانشجویان فراوانی به کمیته انضباطی فراخوانده شدند و با تعلیق و ممانعت از تحصیل مواجه شدند. دانشجویان در این هنگام شعار دادند: «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» و... لاریجانی اما در جواب گفت که «سال گذشته در جریان این تجمعات قرار گرفته‌ام ولی از مطالبی که شما هم اکنون می‌گویید اطلاعی ندارم. شما می‌توانید موارد ذکر شده را از طریق یکی از نمایندگان استان فارس که هم‌اکنون هم در جلسه هستند پیگیری کنید.» در این هنگام یکی از دانشجویان فریاد زد: «حتماً نماینده مورد نظر هم به شیوه‌ی دانشگاه زنجان این مسائل را پیگیری خواهد کرد.» این گفته باعث شد که دوباره دانشجویان رییس مجلس را هو کنند.

در ادامه کار تعدادی از دانشجویان تقاضای پرسش شفاهی کردند که یکی از آن‌ها توانست با فشار دانشجویان پشت تریبون قرار گیرد. این دانشجو گفت: «من با شما به عنوان رییس مجلس حرف نمی‌زنم و هیچ سوالی از شما با این عنوان ندارم، چرا که معتقدم شما ریاست مجلسی هستید که با ردصلاحیت‌های گسترده شورای نگهبان و گرفتن حق تصمیم‌گیری آزاده از ملت بر سر کار آمده است. سخنان من ممکن است به گوش کسانی که در ردیف جلو نشسته‌اند و با اعمال سرکوب همه‌ی مجاری اعتراض و انتقاد را بسته‌اند خوش نیاید. از جمله انحلال انجمن اسلامی و تکصدایی کردن دانشگاه با ایجاد تشکل‌های دست‌ساز و دولتی...» این دانشجو در ادامه چنین اضافه کرد: «من از سه چیز متنفرم. یکم محمود احمدی نژاد، به دلیل مردم فریبی و سرکوب آزادی‌های ملت. حتی از قیافه وی هم بدم می‌آید» در این هنگام عده‌ای از دانشجویان بسیجی به سمت وی حمله کردند که تعدادی از دانشجویان با کنترل آن‌ها نگذاشتند که به این دانشجو صدمه‌ای وارد شود. تریبون دانشجویی مورد نظر هم قطع شد و او نتوانست صحبت‌های خود را تکمیل کند. پس از صحبت‌های این دانشجو جو جلسه به شدت متشنج شد و تعدادی از دانشجویان بسیجی شعار می‌دادند: «مرگ بر منافق» در عوض بقیق دانشجویان هم شعار می‌دادند: «مرگ بر جیره خور»، «محمود احمدی نژاد؛ عامل تبعیض و فساد»، «نصر من الله و فتح قریب، ننگ بر این دولت مردم فریب» و... لاریجانی واکنشی به سخنان این دانشجو نشان نداد و از دانشجویان خواست که از این دعوها دست بردارند.

در ادامه سوالات کتبی، در مورد تفکیک جنسیتی که اخیراً در دانشگاه شیراز صورت گرفته است و کلاس‌های عمومی پسران و دختران از هم جدا شده است، بحث شد و لاریجانی گفت: «چرا شما دوست دارید همیشه قاطی باشید و دختر و پسر در کنار هم باشند.» دانشجویان این حرف لاریجانی را به شدت هو کردند و یکی از دانشجویان از جای خود برخاست و این حرف لاریجانی را توهین به دانشجویان خواند و از وی خواست که معذرت خواهی کند. لاریجانی هم در ادامه گفت: «اگر به کسی توهین شد، من واقعا عذر می‌خواهم.»

پس از اتمام این جلسه دانشجویان یکصدا با هم سرود یار دبستانی من را خواندند و به سمت بیرون تالار حرکت کردند. دانشجویان در این هنگام با خیل عظیمی (حدوداً ۵۰۰ نفر) از دوستانشان روبرو شدند که نتوانسته بودند به درون تالار فجر راه یابند. پس از اتمام جلسه دانشجویان منتقد که تعدادشان به بیش از ۸۰۰ نفر می‌رسد در میدان روبرو تالار فجر جمع شدند و به شعار دادن و سرود خواندن مشغول شدند. شعارها از این قرار بود: «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «دانشجوی احضاری حمایتت می‌کنیم»، «ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم»، «زندانی

سیاسی آزاد باید گردد»، «ستاره دانشجو مدال افتخار است» و... دانشجویان در حالی که شعار می‌دادند به سمت میدان پردیس ارم حرکت کردند و یک‌ساعت به شعار دادن و سرودخوانی مشغول بودند.

گزارشی در مورد وضعیت بیرون تالار فجر در حین سخنرانی لاریجانی:

علی لاریجانی در حالی در تالار فجر به سخنرانی می‌پرداخت که از ورود بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان به درون تالار فجر ممانعت به عمل آمده بود. این دانشجویان پلاکاردهایی به همراه خود داشتند که روی آن‌ها نوشته شده بود: «خواست ما استیضاح کردن و پیگرد قضایی وی»، «مجلس خانه ملت است، یا محل ضرب و شتم دانشجویان»، «سه‌میه بندی جنسیتی، انقلاب فرهنگی دوم»، «بومی سازی پذیرش دانشجو = بی‌عدالتی» و... دانشجویان وقتی با درب‌های بسته روبرو شدند، حصارهای اطراف را در کردند و شیشه‌های آن را شکستند ولی تعدادی از نیروهای بسیجی و حراست دانشگاه مانع ورود دانشجویان به درون تالار فجر شدند. دانشجویان مورد نظر تمام مدت سخنرانی را به شعار دادن سپری کردند و در حین خروج لاریجانی از تالار فجر شعار می‌دادند: «مجلس بی‌کفایت، مایه‌ی ننگ ملت» و...

حاشیه‌ای بسیار جالب از جلسه سخنرانی لاریجانی:

پس از این یکی از دانشجویان با فشار حمایت دانشجویان منتقد توانست تریبون را در دست بگیرد و اعلام کرد که از محمود احمدی نژاد متنفر است، عده ای از نیروهای بسیج شعار دادند: «احمدی قهرمان، محبوب نسل جوان» این شعار نیروهای بسیج خنده و مسخره‌ی حضار را تا جایی به همراه داشت که لاریجانی هم نتوانست جلوی خنده خودش را بگیرد.



زنده باد پیکار متحد دانشجویان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

***** ●

روز شنبه ۱۷ اکتبر مراسم باشکوهی بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق انورخوجه در کپنهاک برگزار گردید و پیام زیر به رفقای حزب کمونیست کارگری دانمارک ارسال شد. این پیام همچنین در ارگان مرکزی حزب برادر "سیاست کمونیستی شماره ۲۱ منتشر گردید. اینک اصل پیام از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

زنده باد مارکسیسم لنینیسم!

پیام دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان) به رفقای حزب کمونیست کارگری دانمارک بمناسبت برگزاری مراسم صدمین سالگرد تولد رفیق انورخوجه

رفقای گرامی!

۱۶ اکتبر امسال صدمین سالگرد تولد رفیق انورخوجه است. شاد باش کمونیستی ما را بمناسبت برگزاری مراسم صدمین سالگرد تولد این مارکسیست لنینیست بزرگ بپذیرید.

رفیق انورخوجه یکی از رهبران بزرگ پرولتاریای جهان است. وی به مدت چهاردهه حزب پر افتخار کارآلبانی را خردمندانانه رهبری کرد، خلق آلبانی را درجنگ رهابخش و ضد فاشیستی به پیروزی رسانید، شجاعانه و هدفمند سوسیالیسم را در جامعه بنا نهاد. رفیق انورخوجه در نبردهای عظیم ایدئولوژیک که در عرصه جهانی در جنبش کمونیستی در گرفته بود، همواره جانب اصول را گرفت و بی تزلزل از مارکسیسم لنینیسم به دفاع برخاست. اختلاف حزب کارآلبانی به رهبری رفیق انورخوجه با تیتو، اختلاف بر سراسول و پرنسپهای لنینی بود. راهی را که تیتو رهبر حزب یوگسلاوی برگزیده بود راه رویونیستی، راه سازش طبقاتی و ارتداد و خیانت به طبقه کارگر و مارکسیسم لنینیسم بود. وقتی جنبش جهانی کمونیستی به رهبری رفیق استالین به طرد تیتو و تیتوئیسم پرداخت، رفیق انورخوجه نیز شجاعانه رویونیسم تیتوئی را محکوم کرد و از استالین و پاکیزه گی مارکسیسم لنینیسم دفاع نمود. رفیق انورخوجه سر آشتی و سازش با رویونیسم، ترسکیسم و انحرافات ضد مارکسیستی نداشت. وقتی دارودسته ضد کمونیست خروشچف با کودتا و توطئه رهبری حزب کمونیست شوروی را به کف گرفت و به لجن پراکنی علیه استالین پرداخت، رفیق انورخوجه در کنار حزب بزرگ کمونیست چین به رهبری رفیق مائو پرچم دفاع از مارکسیسم لنینیسم را بر افراشت و تزه های ضد مارکسیستی رویونیستهای معاصر که در قالب همزیستی مسالمت امیز حزب تمام خلق، گذار مسالمت آمیز... فرموله گردیده بود را محکوم و از انقلاب، سوسیالیسم و رفیق استالین بعنوان بزرگترین مفسر لنینیسم دفاع نمود. رفیق انورخوجه در آن سالها با شهامت و جسارت انقلابی در اجلاس احزاب برادر، از خط و مشی رفیق استالین دفاع کرد و نظریات بی بند و بار، لیبرالیستی و ضد مارکسیستی دارودسته خروشچف که راه احیای سرمایه داری را پیش گرفته بود، محکوم نمود. رفیق انورخوجه به رغم شانتاژها و فشارهای اقتصادی که خروشچف بر کشور آلبانی اعمال کرد اما چون کوه در مقابل ضد انقلابیون خائن به پرولتاریا ایستاد و نقش عظیمی در پیکار علیه رویونیسم و پاکیزه گی مارکسیسم لنینیسم ایفا نمود. در این نبرد سرنوشت ساز حق با رفیق انورخوجه بود که فروپاشی دژ سوسیال امپریالیستی شوروی را بدرستی پیش بینی کرده بود و اکنون نیز حضور امپریالیسم روسیه در مناسبات جهانی بدون یدک کشیدن "سوسیالیسم" نتیجه طبیعی کودتای خائنانه رویونیستها در کنگره ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست شوروی است. نام بزرگ رفیق انورخوجه در این نبرد عظیم جهانی در تاریخ ثبت شده است.

رفیق انورخوجه به دنبال جاه و مقام شخصی در جنبش کمونیستی نبود. وی احزاب برادر را نه بر اساس کمیت، بزرگی و یا کوچکی، بلکه بر مبنای اصول و مبانی کمونیستی مورد دفاع و احترام قرار میداد. آنجا که حزب بزرگ کمونیست چین بعد از مرگ مائو به رهبری دن سیاپینگ راه احیای سرمایه داری را پیش گرفت و به مارکسیسم لنینیسم خیانت کرد، رفیق انورخوجه آن را محکوم کرد و با مبارزه ای عظیم علیه تئوری امپریالیستی "سه جهان" حزب رویونیست چین را در جهان افشا نمود. پیش بینی رفیق انورخوجه در مورد عطش چین برای تبدیل شدن به یک قدرت سرمایه داری امپریالیستی در عرصه بین المللی منطبق با آموزشهای مارکسیستی لنینیستی بوده و آثار وی در پیکار علیه رویونیسم معاصر، ترسکیسم و انحرافات گوناگون ضد کمونیستی گنجینه گرانبهائی در جنبش کمونیستی است.

رفقای عزیز!

حزب ما به شما درود میفرستد و برای مراسم شما در تجلیل از رفیق انورخوجه به مناسبت صدمین سالگرد تولد وی، موفقیت آرزو میکند.

گرامی باد صدمین سالگرد تولد رفیق انورخوجه!

زنده باد مارکسیسم لنینیسم!

مرگ بر رویونیسم، ترسکیسم، کاپیتالیسم و امپریالیسم!

زنده باد سوسیالیسم! زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!

با سلامهای کمونیستی دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)

اکتبر ۲۰۰۸

دون کیشوت‌های " کمیته هماهنگی " و رویای لغو کارمزدی و حکومت شورایی " در لاستیک سازی البرز

روز یکشنبه ۱۵ مهر ماه ۱۳۸۷، کارگران لاستیک سازی البرز، بدنبال ۹ ماه حرکت‌های اعتراضی و اعتصابی، در مقابل وزارت کار تجمعی اعتراضی داشتند، که در آن، ضمن درخواست پرداخت حقوق شش ماهه معوقه خود و اعتراض به سیاست خصوصی سازی، خواستار دولتی شدن مجدد کارخانه شدند. در این رابطه گروهی که خود را " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " می‌نامد، از موضع آنارشیستی و کودکانه، ضمن تبلیغ علیه اتحادیه‌ها و سندیکا‌های کارگری، حرکت اعتراضی کارگران را مورد انتقاد قرار داده و از آنها می‌خواهد با تصرف کارخانه و تشکیل شورای ضد سرمایه داری، لغو کار مزدی را به نظام سرمایه داری تحمیل کنند!

قبل از پرداختن به نوشته آنارشیست‌های " کمیته هماهنگی " لازم است توضیح مختصری در مورد وضعیت کارخانه و همچنین سیاست‌های اقتصادی دولت و وضعیت جنبش کارگری داده شود.

کارخانه لاستیک سازی البرز که در ابتدا " بی اف گودریچ " نام داشت، در سال ۱۳۳۷ تاسیس و بعد از فروش به سرمایه داران داخلی در سال ۱۳۵۵ " کیان تایر " نام گرفت. پس از انقلاب، کارخانه، مصادره و زیر پوشش سازمان صنایع ملی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۰ کلیه دستگاه‌های آن نوسازی شده و با ظرفیت تولید روزانه ۶۰ تا ۸۰ تن و حدود ۳۰ هزار تن در سال با حداکثر ظرفیت خود کار کرده و علاوه بر تامین ۱۵ درصد از نیازهای داخلی (در عرصه لاستیک های سواری، وانت، اتوبوس، باری، صنعتی، راه سازی و کشاورزی) صادراتی نیز به حوزه خلیج فارس داشته است. در سال ۱۳۷۳ این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد.

اجرای سیاست های نئولیبرالیستی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی که از زمان ریاست جمهوری رفسنجانی تا به حال به دستور العمل رسمی رژیم تبدیل شده است، بطور پی گیر در عرصه سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی دنبال می شود. از شاخصه های این سیاست، لغو مداخله دولت در مسائل اقتصادی، آزادی حرکت سرمایه، کالا، خدمات، خصوصی سازی بانک ها، صنایع، سیستم حمل و نقل، برق و مدارس و بیمارستانها و حتی آب آشامیدنی و آزادی شرکت های خصوصی از هر محدودیتی، آزادی بیشتر برای تجارت بین المللی و سرمایه گذاری، عدم کنترل قیمت ها، برداشتن موانع در تجارت، برداشتن تعرفه ها و یارانه ها، قطع هزینه های عمومی خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت های بهداشتی، تامین امنیت سرمایه و تنظیم قوانین کاری در راستای منافع سرمایه و بی حقوقی نیروی کار می باشد.

ورشکستگی صنایع نساجی و کفاشی و چای و شکر، گسترش شرکتهای پیمانکاری و استخدام موقت و شامل نشدن قانون کار در مورد ۸۰ درصد نیروی کار، شکاف عمیق تر طبقاتی، ثروتمندتر شدن ثروتمندان و فقیر تر شدن فقرا، همگی نمونه هایی از دست آوردهای این سیاست‌های اقتصادی است.

اعتصاب ۱۳۰۰ کارگر لاستیک سازی البرز، به دنبال چهار ماه وارد نشدن مواد اولیه و پرداخت نشدن حقوقشان در بهمن ماه سال قبل، به دنبال خبر پلمپ شدن کارخانه آغاز شد. کارگران با تجمع شبانه روزی در محیط کارخانه و نصب پلاکاردها، ضمن دادن شعارهای اعتراضی و دفاع از محیط کار خود، در مقابل اشغال کارخانه از سوی بیش از یک هزار نیروی انتظامی و ضد شورش و لباس شخصی، اقدام به مسدود کردن یک طرف جاده تهران - اسلام شهر، نموده تا صدای اعتراض خود را به گوش مردم و مسئولین برسانند و اعلام کردند تا احقاق همه خواسته هایشان از سوی مسئولین به اعتصاب خود ادامه می دهند.

رضا اقدسی یکی از کارگران اعتصابی می گوید: " مشکلات کارخانه از روزی که آقای شرفی چهار سال پیش کارخانه را خرید شروع شد. کار اصلی او ساختمان سازی است. در واقع اینجا را خرید تا با تعطیل کردن کارخانه برج سازی و ساختمان سازی کند."

محمد حسن پور طالبیان دبیر خانه کارگر اسلام شهر، مشکل کارخانه کیان تایر را، خصوصی سازی آن ذکر میکند و می گوید: " مالکان به فکر سود و صلاح و منفعت شخصی خود هستند و از آنجا که می توانند واحد را به سرمایه تبدیل کنند، بنابراین سعی دارند با پرداخت نکردن حقوق و انعقاد قرارداد موقت با کارگران، فشار بر آنها را افزایش دهند و به نوعی، واحد را به سرمایه تبدیل کنند."

مجموعه سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی بخصوص در هجده ساله اخیر و از جمله در رابطه با خصوصی سازی باعث از بین رفتن و ورشکستگی صدها واحد بزرگ و کوچک صنعتی و بیکاری میلیونها کارگر شده است. فقط در شش ماهه اول سال جاری طبق اعتراف محمد جهرمی وزیر کار، ۲۵۰۰۰۰ نفر کارگر بیکار شده اند. طبق گزارش نشریه سرمایه، حدود سی درصد شرکت های خصوصی متوسط و کوچک واجد شرایط ماده ۱۴۱ قانون تجارت (اعلام ورشکستگی) شده اند و بیم آن میرود که با ادامه این روند حتی به ۵۰ درصد هم برسد.

افزایش بی در و پیکر ورود لاستیک و تایر از چین و هند و افزایش ۳۰ درصدی مواد اولیه آن کارخانجات لاستیک سازی را نیز با بحران مواجه ساخته و تعدادی از آنها را به مرز ورشکستگی کشانده. طبق گزارش یکی از سایت های حکومتی مدیران کارخانه لاستیک سازی البرز با یک کارخانه لاستیک سازی در چین به توافق رسیده اند که از این به بعد " لاستیک البرز " در کارخانه چینی ساخته شود و با آرم و نشانه لاستیک البرز منقوش گردیده و با قیمتی ارزانتر به دست مصرف کننده برسد و در ضمن سود بیشتری نیز برای صاحب کارخانه داشته باشد.

در چنین شرایطی که کارگران ایران و از جمله کارگران لاستیک سازی البرز با پوست و گوشت و استخوان شان وخیمتر شدن و بدتر شدن وضعیتشان را احساس می کنند و انواع و اقسام اجحافات و زور گوییها و چپاول را و حتی در این شرایط وانفاسای گرانی حقوق ندادن شش ماهه و هشت ماهه و یکساله را تحمیل کرده اند و به دلیل نبود تشکیلات صنفی و وضعیت تدافعی جنبش کارگری، به مفهوم واقعی کلمه کارگران را به مرگ گرفته اند تا به تب راضی شوند. **آناشیشتهای " کمیته هماهنگی " در انتقاد از کارگران به خاطر مخالفتشان با خصوصی سازی و درخواست دولتی شدن آن می گویند :**

" چرا در میان راه حل هایی که جستجو میکنید به خلع ید از سرمایه داران و اداره کارخانه توسط قدرت سازمان یافته خود نمی اندیشید؟ تردید و هراس یا حتی پرهیز کارگران از پیش کشیدن چنین طرحی تا حد زیادی مفهوم و قابل درک است... بی گمان، کارگران به محض مطرح شدن این راه حل به دنیایی از مشکلات عجیب و غریب فکر می کنند. چگونه و از کجا مواد اولیه تهیه کنیم؟ پول لازم برای خرید مصالح و نیازهای تولید را از کجا تامین کنیم؟ چه تضمینی برای فروش محصولات تولید شده مان وجود دارد؟ از کجا معلوم که اداره تولید توسط خودمان پاسخگوی رفع نیازهای زندگیمان باشد؟ هجوم نیروهای سرکوب برای بیرون آوردن کارخانه از دست کارگران را چگونه دفع کنیم؟... به نظر ما گشودن همه این گره ها و غلبه بر تمامی این مشکلات امکان پذیر است... کارگران پا پیش نهند و اعلام دارند که کارخانه مال ماست... تهیه مواد خام و وسایل کمکی و نیازهای چرخه تولید یک موضوع بسیار مهم و حیاتی پیش روی ماست. شرط لازم پیشبرد کار در اینجا اعمال قدرت و مجبور ساختن دولت به تهیه کاملاً رایگان نیازهای روند کار و تولید است. گام های بعدی به توزیع محصولات تولید شده و سایر امور اداره کارخانه بر می گردد که هیچ کدام مسائل غیر قابل حلی نیستند. بیابید راه حل تعویض مدیریت را با راه حل سنجیده و موفق تصرف کارخانه جایگزین کنیم. بیابید تمام تلاش لازم برای تدارک تصرف کارخانه و اداره پیروزمندانه آن توسط خویش را به عمل آوریم. بیابید شورای کارگری خویش را تشکیل دهیم و به سینه هر نوع پیشنهاد انجمن صنفی بازی و سندیکا سازی و مانند این ها دست رد بکوبیم."

فرض کنیم کارگران کارخانه لاستیک سازی البرز تفکرات آناشیشستی و سندیکا ستیزانه شما را بپذیرند و همگی بخواهند مطابق رهنمود شما عمل کنند.

۱- اقدام نخست طبق رهنمود شما تشکیل شورای ضد سرمایه داری است. شورائی که سازمان کسب قدرت سیاسی است و میخواهد اداره همه امور را در عرصه های مدیریت و سیاست گذاری و برنامه ریزی را انجام دهد و ارگان اعمال حاکمیت طبقه کارگر در عرصه کارخانه باشد.

۲- تصرف کارخانه و اعلام مالکیت کارخانه توسط شورای انقلابی و ضد سرمایه داری.

۳- مجبور کردن دولت سرمایه داری به تهیه کاملاً رایگان نیازهای روند کار و تولید.

۴- اداره پیروزمندانه کارخانه و لغو کار مزدی در لاستیک سازی البرز زیر سایه جمهوری اسلامی
احتیاج به هیچ توضیح و تفسیر بیشتری جز همین تشریح ساده برای روشن شدن اندیشه های خیالپردازانه و کودکانه و آناشیشستی " کمیته هماهنگی " نیست که دن کیشوت وار، سوار بر اسبهای چوبی، به جنگ سرمایه داری می روند و کارگران را می خواهند دنبال نخود سیاه " شورا " بفرستند.

شورائی که در واقع، سازمان کسب قدرت سیاسی است و برای آن تجمع می کنند که بتوانند قدرت سیاسی را به کف گیرند و محصول شرایط دوران انقلاب است و در اوج مبارزات کارگری با هدف کنترل و مدیریت و اعمال قدرت طبقاتی تشکیل می شود و باید تحت رهبری ستاد فرماندهی واحدی یعنی حزب مارکسیست لنینیست طبقه کارگر عمل کند. در همین رابطه در شماره ماه گذشته توفان الکترونیکی شماره ۲۶ در مقاله "باز هم سخنی در مورد مبارزات سندیکائی و انحرافات چپ و راست" تفاوت شورا و سندیکا را شرح دادیم و نظرات انحرافی و ضد حزبی و آناشیشستی مدعیان دروغین کارگران را به نقد کشیدیم. در مقاله چنین آمد:

"شورا و سندیکا علیرغم اینکه هر دو از جمله تشکلهای کارگری هستند، اولی رکن حکومتی و برای کسب قدرت سیاسی و تغییر بنیادی جامعه است و دیگری تنها برای بهبود شرایط زندگی کارگران در چهارچوب مناسبات حاکم سرمایه داری در ممالک سرمایه داری است و هدفش کسب قدرت سیاسی نیست. نه تنها نباید این دو شکل سازمانی را با یکدیگر عوضی گرفت بلکه مجاز نیست که ماهیت آنها را یکی کرد و وظایف مستقل آنها را در هم ریخت و از آن ملغمه ای ساخت که زیانش تا به امروز گریبان جنبش انقلابی ایران را گرفته است. چنین خطائی می تواند شوراهای کارگری اسلامی بزاید که در ایران زاده شد. شوراهائی که نه ترکیب کارگری- دهقانی ابزار کسب قدرت سیاسی است و نه جمعیتی از کارگران متشکل در سازمانهای صنفی گوناگون خویش در یک تشکل سراسری برای بهبود شرایط زندگی کارگران است."

اینان که نام کمونیست بر خود گذارده اند و کارگران را در این شرایط به تصرف کارخانه و حکومت شورایی و لغو کارمزدی فرا می خوانند نه تنها کوچکترین خدمتی به طبقه کارگر نمی کنند بلکه موجب مشوب افکار و دورکردن کارگران از صحنه مبارزه برای ایجاد تشکل حرفه ای و فراگیر می گردند. چنین جریانی که با هیبت "چپ" و شعار لغوکارمزدی" به میدان آمده است در عمل به بورژوازی خدمت میکند. **لنین در کتاب یک گام به پیش، دو گام به پس** ، در باره رابطه کمونیستها ، حزب و اتحادیه های کارگری چنین نوشت:

«سازمان های کارگری مختص مبارزه اقتصادی باید سازمان های حرفه ای باشند. هر کارگر سوسیال-دمکرات باید بقدر امکان به این سازمان ها یاری نماید و در آنها به طور فعال کار کند... لیکن این به هیچ وجه به نفع ما نیست که خواستار آن شویم که اعضای اتحادیه های صنفی فقط سوسیال-دمکرات ها باشند؛ این امر دایره نفوذ و تأثیر ما را در توده محدود خواهد ساخت. بگذار هر کارگری که به لزوم اتحاد برای مبارزه علیه کارفرمایان و حکومت پی می برد در اتحادیه صنفی شرکت نماید. اگر اتحادیه های صنفی همه کسانی را که فهمشان ولو فقط تا این درجه ابتدایی رسیده باشد، متحد نمی ساختند؛ اگر این اتحادیه های صنفی سازمان های بسیار وسیع نبودند؛ آن وقت خود هدف اتحادیه های صنفی هم غیرقابل حصول می شد...» لنین در ادامه می گوید: کمونیستها «رهبری بر اعتصاب کنندگان و پشتیبانی از آنها را کار حیاتی خود می دانند، ولی در عین حال این خواست را نیز که منافع حزب با منافع اتحادیه های صنفی یکی باشند و مسؤلیت اقدامات جداگانه اتحادیه های جداگانه به عهده حزب گذاشته شود را قاطعانه رد می کنند. حزب باید بکوشد اتحادیه های صنفی را مطابق روح خود بار آورد و تابع نفوذ خود کند و این کار را هم خواهد کرد، ولی به منظور همین نفوذ باید عناصر کاملاً سوسیال-دمکرات (که در داخل حزب سوسیال-دمکرات هستند) این اتحادیه ها را از عنصری که آگاهی کامل ندارند و از لحاظ سیاسی به حد کافی فعال نیستند، مجزا کند...»

کارگران باید صفوف خویش را از افکار مغشوش با کمونیستهای جدید و اکونومیستها قدیم پاکیزه کنند و تلاش کنند که دامنه اتحادیه های صنفی کارگران را توسعه دهند و نگذارند کار صنفی با مسایل کسب قدرت سیاسی که وظیفه حزب سیاسی است درهم ریخته شود. در این صورت نه کار صنفی محصولی ببار می آورد و نه کسی در عمل قادر می شود به کسب قدرت سیاسی نایل آید. باید هر کارگری را که به لزوم اتحاد برای پیکار علیه کارفرمایان پی میبرد برای ایجاد تشکل مستقل صنفی تشویق نمود و گام به گام آگاهی وی را ارتقاء داد و از سطح و توان جنبش کنونی حرکت کرد. نیاز مبرم کارگران لاستیک سازی البرز و هزاران کارگر دیگر در سایر شهرهای ایران در شرایط کنونی ایجاد اتحادیه های مستقل حرفه ایست تا از این طریق بتوانند بطور سازمان یافته و متشکل در مقابل کارفرمایان از حقوق صنفی و مطالبات دموکراتیک و کارگری خود دفاع نمایند. راهی جز این راه در شرایط کنونی بیراهه است و سرانجامی جز شکست دربر نخواهد داشت.

* * * * *

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

سوم آبان ماه ۱۳۸۷

زنده باد اتحاد کارگران هفت تپه

کارگران قهرمان هفت تپه اول آبان ماه ، باردیگر با اراده ای قوی و مصمم به پای برگزاری انتخابات رفته و نمایندگان واقعی خود را برای تحقق مطالبات خویش برگزیدند. پیکار متحد کارگران هفت تپه باردیگر نشان میدهد که مردم ایران و درراس آن طبقه کارگر، با همه دمنشی های نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مرعوب شندی نیست. کارگران نیشکر هفت تپه سالهاست که شجاعانه می رزمند و هر روز متحد تر و مستحکمتر گام بر می دارند. کارگران بیش ازنان به همت خویش، به اعتماد بر نفس خویش، به سربلندی و استقلال فکری خویش، نیازمند است و این خصوصیات، طبقه کارگر را به مبارزات قاطع تر و پیروزیهای عظیم تر رهنمون خواهد شد. حزب ما ضمن تبریک به رفقای نمایندگان کارگران هفت تپه از تشکیل سندیکای مستقل حمایت میکند و برای تک تک اعضای این سندیکا پیروزی و سربلندی آرزومند است.

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

پنجم آبان ماه ۱۳۸۷

صدور حکم حبس برای ۴ عضو سندیکای شرکت واحد را بشدت محکوم میکنیم

طبق اطلاعیه سندیکای شرکت واحد، دادگاه انقلاب اسلامی در تهران چهار تن از اعضای این سندیکا، عطا باباخانی، سعید ترابیان، یعقوب سلیمی، و علی زاده حسینی، را به ۶ تا ۱۴ ماه حبس تعلیقی محکوم کرده است. اتهام این فعالین سندیکایی "تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی" تعریف شده است. منصور اسالو رهبر سندیکای شرکت واحد نیز با همین اتهام به پنج سال زندان محکوم شده و هم اکنون در زندان سیاه جمهوری اسلامی بسر می برد. حزب ما صدور این حکم ضد انسانی را قویا محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران دربند است.

زنده باد پیکار متحد کارگران! مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

.....

گزارشی پیرامون جلسه بحث و گفتگو در استکهلم

پیرو برنامه قبلی جلسه ای در روز شنبه ۲۵ اکتبر بمناسبت نود و یکمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر و بحران مالی کنونی با شرکت هواداران حزب کار ایران (توفان) و دوستان و رفقای از طیف های گوناگون سیاسی تشکیل شد. در این جلسه ابتدا سه تن از رفقای حزبی در مورد تم های انتخاب شده مطالبی ارائه کرده و سپس رفقای شرکت کننده به بحث و گفتگو پرداختند. این بحث و گفتگو در فضایی صمیمانه به مدت پنج ساعت بطول انجامید.

چکیده ای از سخنان سه رفیق ارائه دهنده بحث را در زیر می آوریم.

ابتدا رفیق نوید مطالبی پیرامون انقلاب شکوهمند اکتبر بشرح زیر بیان نمود:

تا قبل از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه این تصور حاکم بر ذهنیت اکثریت جنبش سوسیالیستی بود که انقلاب سوسیالیستی تنها از کشورهای پیشرفته سرمایه داری نظیر انگلیس و آلمان و آمریکا آغاز می شود و هر چه نیروهای مولده بیشتر رشد کند، لحظه انقلاب نزدیک تر می شود.

لنین ایده کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، در کشور عقب مانده نیمه سرمایه داری و حلقه ضعیف سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) را مطرح کرد. مطابق این تئوری، پرولتاریا می تواند و باید، مانع از جذب دهقانان و اقشار میانه توسط بورژوازی شده، و با جذب و اتحاد با آنها وسیعترین جبهه را تشکیل و رهبری انقلاب دمکراتیک را بر عهده بگیرد و گذار به سوسیالیسم را آغاز نماید.

هسته مرکزی این تئوری بر اصل علمی نقش و جایگاه مبارزه طبقاتی در تکامل تاریخ و اهمیت اراده طبقه متشکل انقلابی در روند تحولات جامعه می بود.

تکامل این تئوری در ادامه منجر به گسست از ایده "انقلاب جهانی" گردید و هسته تئوری پیروزی نسبی سوسیالیسم در کشور واحد را پایه ریزی نمود.

وضعیت جامعه روسیه در زمان انقلاب اکتبر

- در ممالک آسیائی تحت سلطه امپراطوری تزاری تحصیل دختران اساساً از نظر مذهبی ممنوع بود. آخوندها و روحانیون بر جان و مال و ناموس مردم مسلط بودند.

- زنان حق رای نداشتند و اصولاً از حق رای دادن محروم بودند.

- مردان زحمتکش هم حق انتخاب شدن نداشتند.

- بیسوادی ۷۲ در صد مردم روسیه- و بیش از ۹۹ در صد در تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، ارمنستان،

قزاقستان، گرجستان، آذربایجان، ترکمنستان را در برداشت

" دشواریها را حدو حصری نیست. ما به مبارزه با دشواریهای بی حد و حصر خو گرفته ایم. بیهوده نیست که ما را دشمنان ما " سنگ خارا " و نمایندگان "سیاست استخوان شکن" نامیده اند. (لنین ۱۴ اکتبر ۱۹۲۱ روزنامه پراودا)

ویژگی های انقلاب اکتبر

- شروع دوران نوین در تاریخ جهان
- ۱ - نفی استثمار و بهره کشی انسان از انسان
- ۲ - استقرار مالکیت جمعی بر وسایل تولید
- ۳ - دیکتاتوری پرولتاریا، عالی ترین دموکراسی واقعی برای زحمتکشان (دستگاهی برای ریشه کنی استثمار و سرکوب اقلیت استثمارگر)
- ۴ - ضربه مهلک به امپریالیسم و سرمایه داری جهانی
- ۵ - ویژگی انترناسیونالیستی، ایجاد تکیه گاهی نیرومند برای جنبش های کارگری و نهضت های آزادیبخش.

اقدامات انجام شده

- ۱ - انجام کامل انقلاب بورژوا دموکراتیک یعنی برانداختن بقایای نظامات قرون وسطایی (براندازی سلطنت، نظام سرفی فئودالی، بی حقوقی زنان، مذهب و ستمگری نسبت به ملیت ها- انقلاب فرانسه در ۱۱۸ سال قبل از اکتبر- انقلاب المان در ۶۹ سال پیش از آن و انقلاب انگلیس در ۱۶۴۹ انجام یافت ولی وظایف بورژوا دموکراتیک را نتوانست بطور کامل انجام دهد). براندازی کامل نظام فئودالی در عرض تنها چند هفته
- ۲ - جهت تحکیم فتوحات انقلاب بورژوا دموکراتیک باید جلو تر می رفتیم (رفرم محصول فرعی مبارزه انقلابی طبقاتی است) اصلاحات بورژوا دموکراتیک محصول فرعی انقلاب پرولتری یعنی سوسیالیستی است.
- نخستین انقلاب ضمن رشد خود به انقلاب دوم تحول می یابد. انقلاب دوم مسائل انقلاب اول را در جریان عمل حل می کند. انقلاب دوم کار انقلاب اول را تحکیم می نماید.

ویژگی نظام شوروی و دیکتاتور پرولتاریا

- ۱ - حداکثر دموکراتیسم برای کارگران و دهقانان یعنی دموکراسی پرولتری یا دیکتاتوری پرولتاریا
- ۲ - نخستین انقلاب بلشویکی صد میلیون مردم روی زمین را از چنگ جنگ امپریالیستی رهائی بخشید و برای نخستین بار زحمتکشان را در جایگاه واقعی شان بر اریکه قدرت نشاندهند.....

رفیق فرهنگ کارگر در مورد علل بحران مالی جهانی چنین بیان داشت :

" رفقای عزیز، بحران مالی که اقتصاد دانان "چپ" آن را سرمایه آفرینی مالی می نامند، سراسر امریکا را فرا گرفته و میرود که جهان را در یک رکود و بحران بزرگ گرفتار کند. این بحران حاصل سیاست نئولیبرالی و جهانی شدن سرمایه است که در طی سالهای اخیر بشدت از طرف راست ترین جناحهای امپریالیستی تبلیغ و اجرا شده است. "مایک ویت نی" مصاحبه مفصلی با پروفیسور "پولینگ" اقتصاد دان معروف دانشگاه ماساچوست و مدیر مسئول تحقیقات اقتصادی کرد که در آن "مایک ویت نی" به نقل و قولی از کتاب امپریالیسم لنین پرداخت وی گفت:

" تکامل سرمایه داری بجائی رسیده است که گرچه تولید کالائی هنوز جنبه غالب را داراست (۱۹۱۶) و هنوز پایه زندگی اقتصادی محسوب میشود، ولی در واقعیت ضربه شدیدی خورده و بخش وسیعی از سود سرمایه ها نصیب بورس بازهای نابغه میشود. بنیاد این سفته بازی و کلاهبرداری ها تولید اجتماعی شده می باشد. اما سود این پیشرفت تولید اجتماعی به جیب سفته بازان میرود. "

پروفیسور پولینگ در پاسخ می گوید: این یک بینش هوشمندانه از طرف لنین و این فقط یکی از بینش های هوشمندانه لنین است. وی همچنین در مورد مارکس می گوید: او بزرگترین متفکر تاریخ در مورد شیوه گردش نظام سرمایه داری است.

جامعه سرمایه داری دارای دو محور اصلی می باشد. محور تولیدمولد و محور غیر مولد.

در آغاز بخشی از نیروی فعال محور اول بدخل محور دوم میروند که تا دیروز تولید میکردند، ولی امروز بجای تولید وارد قسمت غیر مولد چون بانکداری، بورس بازی و در یک کلام به قمار بازی رو می آورند و به برد و باخت مشغول می شوند. امروز سرمایه مالی و فراملی چون اختاپوس بر تمامی کشورها و زندگی مردم جهان چنگ انداخته و بیرحمانه دست رنج کارگران و زحمتکشان را غارت میکند و جهان را به ورطه جنگ و فقر و نیستی سوق میدهد. اینها همه از ماهیت طفیلی امپریالیسم برمی خیزد....

چرا نهادهای مالی اینقدر قوی شده اند؟

اما چرا این نهادهای مالی اینقدر قوی شده اند و اعلام استقلال کرده اند و بر محور اول حکمفرمایی می کنند. علتش جهانی شدن سرمایه و حکمرانی بی چون و چرای سرمایه مالی بر جهان است. این نهادهای مالی توانسته اند در سراسر جهان کنترل انحصاری بر منابع بوجود آورند، و بر خلاف گذشته دوران رقابت آزاد امروز کنترل انحصاری گشته است.

- ۱ - کنترل انحصاری تکنولوژی: یعنی انحصارات مالی بر تکنولوژیهای سراسر جهان.
- ۲ - کنترل انحصاری بر منابع جهان: یعنی انحصارات مالی بر نفت، گاز مایع، مس، آهن، ...
- ۳ - کنترل انحصاری بر صنایع نظامی: مثلا در چهل سال قبل اینطور نبود. اتحاد جماهیرشوری صنایع نظامی خودش را داشت، امریکا صنایع نظامی خودش را. قبل از جنگ دوم جهانی ما از دینای چند قطبی صحبت میکردیم. ژاپن، آلمان هیتلری، اتحاد جماهیر شوروی، ولی امروز انحصارات صنایع نظامی کاملا در دست سرمایه مالی جهانی است که مقرشان امپریالیسم امریکاست.
- ۴ - کنترل بر رسانه های جمعی: در سراسر جهان، رسانه های گروهی توسط انحصارات جهانی سرمایه کنترل می گردد.

۵ - انحصار بر نهادهای مالی: بانکها- صندوق بین المللی پول - بانک جهانی و
در حقیقت امپریالیستها بسرکردگی آمریکا جهان را در کنترل خویش قرار داده اند. ... در شرایط کنونی باید به تقویت حزبیت همت گماشت زیرا این بحرانها خود به خود سرمایه داری را سرنگون نخواهد کرد. سرمایه داری باید توسط حزب کمونیستها، حزب مارکسیست لنینیستها و بسیج کارگران و زحمتکشان سرنگون گردد. تنها با تقویت حزب و ایده حزبی و لنینی در سراسر جهان است که می توان با استفاده از این بحرانها ضربه اصلی را بر سرمایه داری فرود آورد و مردم را از شر این کتافات رها ساخت. کارگر بدون سازمان و تشکیلات و بدون حزب طبقاتی خود هیچ است با حزب و تشکیلات همه چیز...

رفیق تورج پیرامون ماهیت امپریالیسم، گنبدگی آن، علت بحران مالی جهانی و تاثیرات آن بر جامعه ایران چنین بیان داشت:

"امپریالیسم یعنی تمرکز تولید و انحصارها: این تمرکز سرمایه و تولید در بنگاه های بزرگ بقدری عظیم است که به برتری مشت کوچکی از بنگاه های کلان حنبه مطلق می دهد. یعنی میلیونها "صاحب کار" کوچک و متوسط و حتی قسمتی از کارفرمایان بزرگ عملا تحت اسارت کامل چند صد سرمایه گذار میلیارد قرار می گیرند.
بقول لنین: "یک چند ده هزار بنگاه کلان همه چیز و میلیونها بنگاه کوچک هیچ چیز"
در نتیجه بزرگی این بنگاه عملا رقابت دشوار می شود، و تمایل به انحصار پیدا می شود. این تبدیل رقابت آزاد به انحصار، در واقع یکی از مهم ترین پدیده هاست که در اقتصادیات سرمایه داری انحصاری وجود دارد.
لنین می گفت:

"زمانی که مارکس "سرمایه" خود را می نوشت، رقابت آزاد در نظر اکثریت اقتصاددانان، "قانون طبیعت" بشمار می رفت. علم فرمایشی می کوشید این اثر جاودانه مارکس را، که در آن با تجربه و تحلیل نظری و تاریخی سرمایه داری، ثابت شده بود که: رقابت آزاد موجب تمرکز تولید می شود، و این تمرکز در مرحله معینی از تکامل خود به انحصار منجر می گردد، می خواهد با توطئه سکوت آنرا محو و نابود سازد. اکنون دیگر انحصار واقعیتی شده و در وصف آن کتاب نوشته شده است."

امپریالیسم به طور کلی در نتیجه تکامل سرمایه داری و ادامه مستقیم خواص اساسی آن بوجود آمده است. سرمایه داری در مرحله معینی از تکامل خود و آن هم در مدارج بسیار عالی تکامل خود به امپریالیسم سرمایه داری مبدل می گردد. و این امر هنگامی است که سرمایه داری به نقیص خود بدل می شود.

آن چه از نظر اقتصادی در این جریان جنبه اساسی دارد، عبارت است از تبدیل رقابت آزاد سرمایه داری به انحصارهای سرمایه داری.

می دانیم که رقابت آزاد، از خصوصیت اساسی سرمایه داری و بطور کلی تولید کالایی است. ولی در مرحله امپریالیسم، انحصار، مستقیما در مقابل آن قرار می گیرد و به نقیص رقابت آزاد بدل می گردد.

انحصار، بدین ترتیب بوجود می آید، که تولید بزرگ در نتیجه از میدان بیرون کردن، در نتیجه حذف تولید کوچک بوجود می آید. و تولید بزرگ در روند رشد خود به بزرگترین تولید مبدل می گردد. و سرانجام تمرکز تولید و سرمایه بدان جا می رسد که انحصار پدیدار می گردد.

باید توجه داشت؛ در عین حال انحصارها که از درون رقابت آزاد پدید می آیند، این رقابت را از بین نبرده بلکه مافوق آن و به موازات آن حرکت و عمل می نمایند. و بدین ترتیب یک سلسله تضادهای بسیار حاد و پر شدت و تصادمات چون

جنگ را بوجود می آورند. چرا که مبدا اصلی و اساسی سیستم امپریالیستی کسب حداکثر سود، و آنهم در کمترین زمان می باشد، تا با جنگ افروزی- تجاوزگری و اشغال دیگر کشورها، آنرا تحت عنوان "بازسازی" غارت کنند و بچاپند. بقول لنین کبیر اگر این مطلب را بخواهیم با زبان بشری بیان کنیم چنین است:

"تکامل سرمایه داری به حدی رسیده است، با آن که تولید کالایی کمافی السابق "حکمفرما است" و به مثابه پایه تمام اقتصاد بشمار می رود، معذالک این تولید دیگر بالفعل شیرازه اش از هم پاشیده شده، و سودهای عمده عاید کسانی می شود که در دوز و کلک های مالی "ناپغه" هستند. مبنای این دوز و کلک ها، اجتماعی شدن تولید است، ولی ترقیات عظیم بشری که با کوشش خود به این اجتماعی شدن رسیده به نفع مشتئی میلیونرها تمام شود"

دلیل بحران سرمایه جهانی

دلیل این بحران در خود سرمایه داری انحصاری است، که سرمایه مالی در آن تسلط کامل دارد، و مربوط به افزایش خصلت انگلی نظام مالی اقتصاد جهانی است. نظریه پردازان بورژوازی پیرامون بحران مالی جهانی، مرتباً از "بحران بازار وام های مسکن در امریکا" سخن می گویند. بخاطر اینکه اصل مطلب را با سکوت خویش چون گذشته لاپوشانی کنند. امروزه تسلط سرمایه مالی با تبلیغات کر کننده اش پیرامون "بازار آزاد سرمایه داری"، دنیا را به قمارخانه جهانی تبدیل نموده. جهانی، که در آن از فرزند تازه تولد یافته گرفته تا بزرگسالش مستقیم و غیر مستقیم، دور میز این قمارخانه گرد آورده شده و هر روزه بر سر ثروت ناشی از کار زحمتکشانش، برد و باخت می شود.

این "بازار آزاد سرمایه داری" که در واقع زائیده نظام انحصارات امپریالیستی است، تمام نیازهای انسانها را که برای بقاء- زندگی- سلامت- بهداشت- خلاقیت- توسعه و پیشرفت و ترقی، و کلاً تمام نیازهایی که برای یک زندگی انسانی و شرافتمندانه لازم است، به کالا و بدتر از آن به کالائی که قابل شرط بندی است، تبدیل نموده است. این "بازار" از کمترین مقدار پولی که ماهانه جهت پس انداز کودکان به بانکها سپرده میشود تا حقوق بازنشستگی کارکنان افراد جامعه را در این قمارخانه جهانی روزانه در معرض برد و باخت قرار داده است، و سودهای افسانه ای را به جیب میلیاردرهای بی وجدان سر زیر می گرداند.

کار این "بازار آزاد سرمایه داری" به جایی رسیده است که حتی با حقوق مردم که معمولاً چند روز زودتر از موعد پرداخت به کارکنان به بانکها واریز می گردد، نمی گذرد و آنرا در همان مدت کوتاه به قمار می زند و سودهای کلانی از پول مردم را "متمدنانه" می دزدد.

در مرکز تبلیغات و ترویج و آموزش "بازار آزاد" کنونی تنها خود خواهی، بخود اندیشیدن، برای منافع شخصی عمل کردن نهادینه شده، و به "از خود بیگانگی" هر چه بیشتر دامن میزند. اندیویدالیسم- خودخواهی،- شخصیت پرستی- زندگی برای خود، به ابزاری مخربتر از مذهب و ناسیونالیسم تبدیل شده، و نا آگاهی به نقش انسانها در تولید نعم مادی، جایگزین ما- برای دیگران و جامعه که نفع اش برای همگان باشد، در فرد و شخص تو خلاصه شده است. از بام تا شام به اشکال مختلف و گوناگون پیرامون "من" و "تو" تبلیغ می گردد.....

در حقیقت این "بازار" که قرار بود برای مردم نان و آب و مسکن، آزادی و دمکراسی به ارمغان آورد، با به قمار گذاشتن هستی انسانها، عامل اصلی فقر و بدبختی بشریت است.

در شرایط "بازار آزاد" کنونی روزی ۳۰ هزار نفر تنها از عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، جان می بازند. در شرایط "بازار آزاد" کنونی میلیونها تن از کودکان بین ۷الی ۱۴ ساله برای امرار معاش خود و خانواده بخاطر ارضاع امیال کثیف سرمایه داران، هر روز و هر ساعت مورد شکنجه روحی و جسمی قرار می گیرند. در شرایط "بازار آزاد" کنونی بیش از یک میلیارد نفر از اهالی جهان در حلی آبادهای بدون آب و برق و .. بسر می برند. انحصارات سرمایه داری نظامی است که تولیدات بیش از چند میلیارد انسان را در اختیار چند صد غول خون آشام قرار داده و آنرا مایه شرط بندی چند صد دلال سهام کرده است. در واقع این بحران مالی جهانی که گندش تمام دنیای سرمایه داری را فراگرفته است، همزاد انحصارات سرمایه داری جهانی است، و اثبات مجدد گندیدگی عصر امپریالیسم و برپائی انقلابات پرولتری است.

تاثیر این بحران بر نظام سرمایه داری ایران

آگاهی که ایران تحت محاصره اقتصادی است و اگر تا کنون تاثیرات مخرب این محاصره اقتصادی همانند دوران تحریم علیه عراق را مشاهده نکردیم، دلیلش افزایش قیمت نفت از بشکه ای ۳۶ دلار تا ۱۴۷ دلار می باشد. ولی اکنون که تا یک سوم قیمت یعنی تا ۵۷ دلار کاهش یافته، می تواند مسلمان اثرات مخربی بر زندگی زحمتکشانش بر جای بگذارد.

شاهد بودیم علیرغم افزایش بالای قیمت نفت، گرانی محصولات مورد نیاز مردم تا حد ۶۰ درصد افزایش داشت. حال در شرایط افت قیمت نفت که تنها درآمد پایه ای کشور را تامین میکند، می توان عوارض منفی تحریم های اقتصادی را بر سطح زندگی و معیشت مردم که با قربانی بیشتر زحمتکشانش همراه خواهد بود را در شرایط وجود نکبت بار رژیم منحوس و بی کفایت جمهوری اسلامی، که جز فقر و سیه روزی حاصل دیگری نداشته است، شاهد باشیم.

در شرایطی که نتیجه عملکرد "بازار آزاد" انحصارات سرمایه داری کنونی، جز بدتر شدن زندگی مردم جهان نبوده است، دولت سرمایه داری و غارتگر ایران برای جلب رضایت برنامه ریزان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بمنظور جذب سرمایه های جهانی، طرح خانمانسوزی را تحت نام طرح تحول اقتصادی در دستور کار خویش قرار داده است. طبق این طرح، تعرفه های گمرکی نظیر گوشت، برنج و حدود ۴۰۰ قلم کالاهای ضروری دیگر باید حذف گردد. در میان توصیه های اصلی نهادهای بین المللی سرمایه و دول امپریالیستی، باز شدن "بازار آزاد" ایران به روی سرمایه های جهانی، حذف سوبسیدها به ویژه در عرصه انرژی مد نظر قرار دارد که دولت غارتگر و سرکوبگر احمدی نژاد با ترفند بدنبال انجام آن می باشد. در واقع دولتمردان ایران سعی مینمایند با بدست آوردن تضمین لازم توسط دول امپریالیستی خود را حفظ کنند. مهم نیست که مردم به خاک سیاه بنشینند، مهم این است که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به هر شکلی که شده، بر قرار باشد. درشرایطی که بحران سراسر جهان را فراگرفته است کمونیستها باید از این موقعیت سود جویند و به تقویت و سازماندهی خود بپردازند. تشکیلات و مبارزه حزبی و بسیج نیرو و تعرض به بورژوازی و امپریالیسم و تبلیغ سوسیالیسم بعنوان تنها آلترناتیو نظام سرمایه داری کنونی، مهمترین وظیفه هر کمونیست مومن به طبقه کارگر است....."

توفان شماره ۱۰۴ آبان ماه ۱۳۸۷

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- *گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- *بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- *جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!